

# **Investigating the Influential Components of Mystical Unitarianism in the Unity of Society and Moderating Extreme Readings of Religion**

**Abedin Darwishpur** \*

**Mehrdad Amiri** \*\* **Habib Hatami Kankabud** \*\*\*

(Received: 2020-08-04; Accepted: 2020-12-26)

## **Abstract**

Endless differences and conflicts between the followers of religions and denominations seriously damage the social and religious life of religious people and question the current state of the religious community. The fundamental presuppositions of Islamic mysticism, which are based on the knowledge of the existential realm of God and man, are the key to paving the way for human peace and tranquility. Explaining the basics of the nature of mystical teachings plays a key role in the peaceful coexistence of the followers of religions and denominations, and the establishment of solidarity, unity and lasting peace among Muslims. Mystics consider self-purification to be the cause of spiritual peace and vitality in the life of society and a manifestation of external peace. Emphasizing the goal of freedom in the advent of the prophets, they seek the piety and freedom of the followers of denominations and believe in the internal unity of religions based on the unity of existence and the validity of the pluralities. The mystical attitude, while acknowledging differences and endorsing internal unity, properly plays a unifying and connecting role not only in the internal components of Islamic civilization, but also in human beings. In this article, we try to explain the effective components of mystical unificationism (unity of existence, self-cultivation, introversion and free thought) on the unity of mystical society by referring to some mystical attitudes with a descriptive-analytical approach and to show their role in shaping the attitude of solidarity and social unity in Islamic society.

**Keywords:** Mysticism, Unity of Society, Unity of Existence, Self-Cultivation, Free Thought.

---

\* Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Lorestan University, Lorestan, Iran (Corresponding Author), [abdindarwishpor@yahoo.com](mailto:abdindarwishpor@yahoo.com).

\*\* Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Lorestan University, Lorestan, Iran, [mehrdad.amiri86@gmail.com](mailto:mehrdad.amiri86@gmail.com).

\*\*\* Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Lorestan, Iran, [hhatami1014@gmail.com](mailto:hhatami1014@gmail.com).

# پژوهش‌های ادیبانی

«مقاله پژوهشی»

سال نهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۰۳-۱۲۲

## بررسی مؤلفه‌های اثرگذار وحدت‌گرایانه عرفانی در وحدت جامعه و تعدیل قرائت‌های افراطی از دین

عابدین درویش‌پور\*

مهرداد امیری\*\* حبیب حاتمی کنکبود\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶]

### چکیده

اختلافات و درگیری‌های بی‌پایان پیروان ادیان و مذاهب به حیات اجتماعی و دینی دینداران آسیب جدی وارد می‌کند و وضعیت کنونی جامعه دینی را به پرسش می‌کشد. پیش‌فرض‌های بنیادین اندیشه عرفان اسلامی که بر شناخت ساحت وجودی خدا و انسان استوار شده، کلید راه‌گشایی برای رسیدن به صلح و آرامش بشر است. تبیین مبانی ماهیت آموزه‌های عرفانی، نقشی اساسی در همزیستی مسالمت‌آمیز بین پیروان مذاهب و ادیان و ایجاد همبستگی و وحدت و صلح پایدار بین مسلمانان ایفا می‌کند. عارفان، تهذیب نفس را موجب آرامش و نشاط معنوی در حیات جامعه و نمودی از صلح بیرونی می‌دانند و با تأکید بر هدف آزادی در بعثت انبیا، در طلب وارستگی و مقام حریت پیروان مذاهب‌اند و بر مبنای وحدت وجود و اعتباری بودن کثرت‌ها، به وحدت درونی ادیان معتقدند. نگرش عرفانی ضمن رسمیت‌بخشیدن به اختلاف‌ها، و صحنه‌گذاشتن بر وحدت درونی به‌شایستگی نقش وحدت‌بخش و پیونددهنده‌ای، نه تنها در اجزای درونی تمدن اسلامی، بلکه در انسان‌ها اجرا می‌کند. در این مقاله می‌کوشیم با استناد به برخی از نگرش‌های عرفانی، مؤلفه‌های اثرگذار وحدت‌گرایانه عرفانی (وحدت وجود، تزکیه، درون‌گرایی و آزاداندیشی) بر وحدت جامعه عرفانی را با رویکردی توصیفی-تحلیلی تبیین کنیم و نقش آن را در شکل‌گیری نگرش همبستگی و وحدت اجتماعی در جامعه اسلامی نشان دهیم.

**کلیدواژه‌ها:** عرفان، وحدت جامعه، وحدت وجود، تزکیه نفس، آزاداندیشی.

\* استادیار گروه فلسفه و کلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول) abindarvishpor@yahoo.com

\*\* استادیار گروه فلسفه و کلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران mehrdad.amiri86@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه معارف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

hhatami1014@gmail.com

## مقدمه

وحدت و همدلی در جامعه دینی همواره موجب توسعه، پیشرفت و آبادانی است که برخی راه تحقق آن را لزوم شناخت عقاید و تبیین عناصر مشترک میان مذاهب و ادیان دانسته‌اند و گروهی دیگر، آگاهی و شناساندن دشمنان مشترک میان ادیان و مذاهب را راه‌حل وحدت معرفی می‌کنند و عده‌ای نیز وحدت را در پای‌بندی مسلمانان به ارزش‌های اخلاقی دین همچون حفظ حریم افراد، خوش‌رفتاری و پرهیز از توهین دانسته‌اند (ایزدپناه، ۱۳۹۱: ۲۹). سیره پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، و اصحابش، همواره مبتنی بر وحدت‌گرایی و دوری از هر گونه تعصب جاهلی بوده و گواه عملی‌اش، پیمان برادری آن حضرت در میان مسلمانان است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۸۰). امام علی علیه السلام نیز بیشترین تلاش را در دوری از تفرقه در صفوف مسلمانان داشته که موفقیت‌های محیرالعقول مسلمانان در سال‌های بعد از آن حضرت را می‌توان حاصل برکت همین وحدت کلمه دانست (مطهری، ۱۳۹۴: ۱۷۸). پس از عصر نزول، متفکران مسلمان به دو شیوه، در ایجاد وحدت در جامعه اسلامی کوشیده‌اند؛ دسته‌ای با تکیه بر الفاظ و مفاهیم از حفظ ظاهری سیره وحدت حمایت کرده‌اند و دسته‌ای دیگر از وحدت واقعی و عمیق میان ادیان و مذاهب اسلامی پشتیبانی کرده‌اند و با رد وحدت اعتباری و تصنعی، فقط وحدت حقیقی را مستلزم تألیف دل‌ها و ثبات و پایداری جامعه اسلامی می‌دانند (رهبر و مهاجرانی، ۱۳۸۸: ۵۸).

عرفان از آغاز به عنوان مکتبی جدای از نحله فکری سایر مسلمانان مطرح نبوده، بلکه پیشینه‌اش به عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و در نهایت به تشیع برمی‌گردد (حلبی، ۱۳۷۳: ۹۰) و برخی منشأ آن را از امام علی علیه السلام دانسته‌اند (طهرانی حسینی، ۱۳۹۵: ۱۵۳). بر این اساس، گروهی از اهل سنت سرچشمه عرفان خود را از تشیع می‌دانند (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۶). بنابراین، عرفان و تصوف، نگرشی جذاب و معنوی است که همواره در سیر تاریخی خود، طالبان و مشتاقان حق را به کشف حقیقت سوق داده (سجادی، ۱۳۶۸: ۵۷۷) و عرفا با تکیه بر کشف و شهود مدعی‌اند که سالک طریق با محو وجود مجازی خود، فانی در حق شده و به مقصد می‌رسد (غلام‌نژاد و سخایی، ۱۳۹۳: ۹۶).

یکی از آموزه‌های مهم عرفان و تصوف، انسان‌دوستی و عشق به تمام هستی و مخلوقات خدا و اندیشیدن به مصائب حیات انسانی و همدردی و همدلی با دردهای

مردم و حتی حیوانات است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۳۶-۳۷). این آموزه در سلوک و تربیت توحیدی ریشه دارد که حضور در صحنه اجتماعی و همدلی جوامع بشری و اتحاد میان ادیان را برای اهل عرفان طلب می‌کند (پارسانیا، ۱۳۸۰: ۶۸)؛ چراکه در باور آنان راه حق و صراط الاهی، از بین خلق می‌گذرد و سلامت جامعه در گرو حضور سالکان و عارفان واقعی حق تعالی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۱).

با دقت در احکام الاهی و آموزه‌های دینی و اخلاقی روشن می‌شود که چگونه اسلام روح اجتماعی را به نهایت درجه امکان در کالبدش دمیده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴۸/۴). بنابراین، عرفان حقیقی در آموزه‌های کتاب و سنت ریشه داشته، نه اینکه در فرقه‌های مختلف تصوف متجلی باشد، و مصادیق بارزش را باید در سیره نبوی ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و تربیت‌یافتگان آنان جست‌وجو کرد. لذا بی‌تردید اسلام، مشارکت داشتن مؤمنان در عرصه سیاست و اجتماع را لازم و واجب می‌داند. آیات و روایات بسیاری در این زمینه گواه این مطلب است (نحل، ۱۲۳: رعد، ۱۱؛ مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۱/۷۵) و نادیده گرفتن جنبه سلوک اجتماعی عارف و بسنده کردن به عزلت و رهبانیت، مستلزم آن است که بخش بزرگی از سیره عرفانی عرفا مغفول واقع شود (ادیب، ۱۳۶۶: ۱۸).

این جستار بر آن است که با تتبع و تحقیق در مبانی اندیشه عرفانی و آرای اهل عرفان مؤلفه‌های شکل‌گیری نگرش وحدت‌گرایانه عرفا و تأثیر آن در تعدیل اختلافات و همبستگی جامعه اسلامی را تبیین کند.

تأثیر عرفان در وحدت جامعه از مباحث کلامی اعتقادی است که بیشتر متفکران و پژوهشگران به آن توجه کرده‌اند، از جمله: «بررسی تربیت دینی صلح‌محور مبتنی بر کثرت‌گرایی دینی عرفانی» اثر محمد میربابک شمشیری (۱۳۹۶)؛ «نقد مبانی معرفت‌شناختی نظریه پلورالیسم دینی» اثر علی‌اکبر رشاد (۱۳۹۰)؛ «منطق قرآن در سنجش دیگر ادیان» اثر عبدالرحیم سلیمانی (۱۳۸۷)؛ «عرفان اسلامی: پیام آور صلح» اثر حجت‌الله جوانی (۱۳۹۵)؛ «وحدت ادیان از نگاه مولانا» اثر عبدالرضا مظاهری (۱۳۸۸)؛ «وحدت متعالی ادیان اثر اکبر قربانی (۱۳۹۱)؛ «زیرساخت‌های سیره وحدت مذاهب از نگاه اهل عرفان و امام خمینی» اثر عباس ایزدپناه (۱۳۹۱)؛ «صلح درون و راهکارهای ایجاد آن اثر فرزانه زارعی (۱۳۹۴)؛ اسلام و کثرت‌گرایی دینی اثر محمد لگنهاوزن (۱۳۷۹).

بیشتر این تحقیقات ناظر به تحلیل کلی وحدت و صلح در عرفان دینی و مسائل مربوط به آن است، اما تا کنون به صورت خاص در باب مؤلفه‌های اثرگذار وحدت‌گرایانه عرفانی در وحدت جامعه مقاله‌ای نگاشته نشده است.

## ۱. عرفان در لغت و اصطلاح

«عرفان» در لغت به معنای شناخت، شناسایی و درایت و معرفت آمده (غنی، ۱۳۷۴: ۱۵۵) و برخی آن را به معنای آگاهی حاصل از رهگذر حواس پنج‌گانه می‌دانند (پورجوادی، ۱۳۶۷: ۱۳۷۵). در اصطلاح نیز نوعی شناخت از حق تعالی است که بر کشف، شهود و مجاهدت قلبی بنا نهاده شده است (معین، ۱۳۷۵: ۲۸۷). عده‌ای نیز آن را نگاه هنری به الاهیات و دین تلقی کرده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۲) و برخی دیگر با معرفی عارف به عنوان کسی که خداوند صفات، اسما و افعال خویش را به نحو شهود به او نمایانده، «عرفان» را نوعی به دیدار حق شتافتن می‌دانند (کاشانی، ۱۳۷۰: ۴۲۲). بعضی نیز با اشاره به جنبه عملی آن، صفات ربوبی حق تعالی را در عارف ساری و جاری می‌دانند (بسطامی، ۱۴۰۲: ۲۱۱). لذا عرفان اسلامی گسترش و اشراف نورانی حقیقت انسانی بر جهان هستی است که به جاذبه کمال مطلق و لقاءالله منتهی می‌شود (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۱-۲۲).

بنابراین، «عرفان»، معرفت شهودی برآمده از تهذیب و شیوه شناخت کسانی است که در کشف حقیقت به جای عقل و استدلال بر تزکیه نفس تأکید دارند (زرین‌کوب، ۱۳۷۳: ۹). سهروردی نیز، معنایی هم‌ردیف «عرفان» را در مفهوم «تصوف» آورده و اختلاف تعاریف را لفظی دانسته و معتقد است تصوف و عرفان، دائماً سعی در تزکیه نفس و تصفیه دل دارند (سهروردی، ۱۳۶۴: ۲۴).

## ۲. مراتب عرفان و تجلی آن در بستر جامعه

به اعتقاد ابن‌سینا، مراتب عرفان از جدایی ذات عارف از اشتغالات دنیوی و ترک نفسانیات آغاز می‌شود و به واسطه فناء فی‌الله ادامه می‌یابد تا به مقام جمع صفات حق تعالی نائل شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۳۸/۳). حاصل این تزکیه تخلق به اخلاق ربوبی و وحدت حق تعالی است. این تجلی اخلاق الاهی و اجرای سلوک و ریاضت‌های فردی صرفاً در بستر اجتماعی میسر است. از این رو پیامبر گرامی ﷺ در حدیثی ضمن نفی

گوشه‌گیری و عزلت در اسلام، رهبانیت توصیه‌شده در امت اسلامی را در هجرت، جهاد، نماز، روزه، حج و عمره معرفی می‌کند (مینوی، ۱۳۷۶: ۸۷) که این ملاک اساسی نشانگر خودسازی و سلوک در متن جامعه است (امینی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۸۲).

### ۳. سیره اجتماعی عرفان

عرفا رویکردهای متفاوتی به جامعه داشته‌اند. برخی از آنان، کاملاً از جامعه بریده‌اند و نجات خود را در دوری از خلق می‌دانند (کربن، ۱۳۶۳: ۱۹۶). در مقابل، برخی دیگر با رویکردی محبت‌آمیز، خلق را مجذوب خویش کرده‌اند. ابوسعید ابوالخیر، مردانگی و عرفان حقیقی را با خلق آمیزیدن و لحظه‌ای دل از خدای غافل نبودن می‌داند (شفیعی، ۱۳۷۶: ۱۹۹). چنان‌که در سخنان ابوالحسن خرقانی نیز آمده است که جوان‌مرد و مرید حقیقی کسی است که «بر لبه آتش دوزخ بایستد و هر گاه خواهند کسی را به دوزخ برند، دستش بگیرد و به بهشت فرستد و خود به جای او به دوزخ وارد شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

بر این اساس، عارف پس از تهذیب و مجاهدت نفس، به منظور راستی‌آزمایی و فعالیت‌بخشیدن به صفات خویش، جامعه برایش نقش پررنگی به خود می‌گیرد، چنان‌که نحله‌ای از عرفا، تنها اساس تعالیم خود را بر پایه ایثار نفس برای خلق دانسته‌اند و آسایش و رفاه دیگران را بر آسایش خود ترجیح می‌دهند (حقیقت، ۱۳۹۰: ۹۲). لذا در جامعه عرفانی عشق و ایثار به هم‌نوعان بشری، برای عارفان اصلی بنیادی است (وکیلی، ۱۳۹۰: ۲۶). این روش عرفانی که برخاسته از متن شریعت است، گوشه‌گیری و رهبانیت را به معنای عزلت قلبی تلقی می‌کند و عارف بالله هر جا وظیفه خود را حضور در عرصه‌های اجتماعی تشخیص دهد تا مرز شهادت هم پیش می‌رود (نسیمی، ۱۳۹۲: ۴۳).

در نگرش عرفانی، خداوند متعال در هر شیئی به حد و اندازه خود آن‌شیء ظهور کرده و هر موجودی به اندازه ظرفیت و استعداد خویش می‌تواند خدا را نشان دهد. لذا موجودات به نحو تشکیکی مظهریت حق را بر عهده دارند (ابن‌ترکه، ۱۳۷۸: ۲۸۶). اما موجود کاملی که خداوند سبحان به حد و اندازه خود در او جلوه کرده و ظرفیت و استعداد بی‌کرانش، توان اسما و صفات و کمالات خداوندی را به منصفه ظهور و بروز درآورده انسان است که کمال‌نهایی استجلاء در او صورت می‌پذیرد (کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

هرچند او هم مخلوق خدا است اما چون واجد متخلّق شدن به اسما و صفات الاهی است با هویت متعالی نمود وحدت صفات و اسمای الاهی است (دشتی، ۱۳۸۴: ۶۱)؛ و این‌چنین انسان کاملی است که عادات و رسوم باطل میان مردم را از بین می‌برد و آنها را با وحدت و یگانگی خدا آشنا، و ایمانشان به آخرت را تقویت می‌کند (حلی، ۱۳۷۱: ۱۰۷).

#### ۴. مؤلفه‌های اثرگذار در وحدت اجتماعی

##### ۴.۱. وحدت وجود

در اندیشه توحیدی ادیان الاهی همواره بحث از مفهوم «وحدت» و «یکتایی خدا» مطرح بوده و نقش مهمی در تحول هستی‌شناسی عرفان و فلسفه اسلامی ایفا کرده است. یکی از پیش‌فرض‌های اساسی توحیدی عرفان، که از دیدگاه‌های مهم عرفانی ابن عربی نیز محسوب می‌شود اصل وحدت وجود است (کاکایی، ۱۳۸۱: ۴۳). در این نگرش، وجود با وحدت عینیت دارد و هستی حقیقتی واحد است (نه حقایق متباین) و عالم هستی صرفاً جلوه‌ای از همان حقیقت واحد و ذات الاهی به شمار می‌آید (شمشیری، ۱۳۸۵: ۶۳). در نظریه وحدت وجود، تنها وجود حقیقی در عالم از آن خدا است و دیگران همه جلوه‌ها و سایه‌هایی از حضرت حق‌اند. در نتیجه کثرت در عالم وجود دارد، ولی این کثرت در جلوه‌ها است.

بر این اساس، در باور ابن عربی، پای‌بندی به عقیده‌ای خاص و تکفیر دیگر عقاید، موجب زیان و از دست دادن علم به حقیقت می‌شود. لذا باید باطن خود را ماده و هیولای تمامی صورت‌های اعتقادی قرار داد. زیرا خداوند برتر و بزرگ‌تر از آن است که فقط در انحصار عقیده خاصی واقع شود (ابن عربی، ۱۴۰۵: ۱۵۶/۲)، چه اینکه قرآن کریم می‌فرماید: «اینما تولوا فثم وجه الله» (بقره: ۱۱۵). حاصل این بینش، یگانه‌بودن حقیقت وجود و برگشت همه کثرت‌ها به صفات و اسمای الاهی، و تجلی و سریان ذات حق تعالی در همه موجودات است (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱۰۷). از این‌رو وجود کثرت‌ها اعتباری و نسبی است و جایی برای اختلافات باقی نمی‌ماند، چراکه همه این مظاهر و شئون بیانگر ذات واحدی است (کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). بر اساس این نگرش، چنین خدایی که در هر زمان و مکان موجود و بر همه چیز قادر است به عقیده‌ای واحد محدود نخواهد بود (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۷).<sup>۱</sup>

#### ۲.۴. تزکیه نفس

تزکیه و تهذیب در قرآن از اهداف مهم انبیا محسوب می‌شود و اغلب مقدم بر تعلیم و تعلم آمده است (بقره: ۵۱). زیرا فهم معانی باطنی قرآن به طهارت و تهذیب نفس بستگی دارد (واقعه: ۷۷) و هر گاه انسان مهذب به مقام کشف و شهود برسد، از امور غیبی و ضمائر افراد نیز آگاهی می‌یابد (رازی، ۱۳۸۶: ۲۹۴). بر این اساس، هر فرد با نفس خود می‌تواند به سلامت اجتماع و اصلاح آن کمک کند (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۰: ۸۴). همچنین، قرآن کریم ناپیراستگی درونی انسان‌ها را مانع مهم اتحاد جامعه می‌داند (مائده: ۹۱) و با توصیه به تزکیه نفس و پیروی انسان‌ها از اصول تقوا و تقویت هنجارهای اجتماعی، بر گسترش اتحاد و همدلی در جامعه تأکید دارد (بقره: ۲۰۸) و وجود خصلت‌های ناپسندی چون حسادت، تکبر، کینه‌توزی، لجاجت، شهرت‌طلبی، دنیاپرستی، غیبت و تهمت را عامل مهمی در ایجاد اختلاف و تفرقه میان مردم می‌داند (اعراف: ۳۸) (خادم جهرمی، ۱۳۸۷: ۴۷).

تهذیب نفس بر مبنای حرکت جوهری و به تبع آن جسمانیة‌الحدوث و روحانیة‌البقاء بودن نفس، صورت گرفته و بر کمال‌پذیری نفس اثر می‌گذارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱۷۳). این تحول نفسانی آنچه را مسیر تکاملی حقیقت انسان نیست رها، و حقایق مربوط به سعادت او را تأمین می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۳). این سیر در مقامات ملکوی و ملکوتی، انسان را تا مرحله تخلق به اخلاق الهی ارتقا می‌دهد و در سایه تهذیب و استکمال نفس به مرتبه‌ای از معرفت می‌رسد که قضایای برهانی، مشهودات وجدانی، در جوهر مراد و مقصود اصلی متحد و موافق می‌گردد (همو، ۱۳۸۶: ۱۳۴). در همین حال و مقام است که نه‌تنها صوفی و متشرع و عارف و فیلسوف با یکدیگر آشتی می‌کنند، بلکه همه جنگ‌ها، خصومت‌ها و دورنگی‌ها میان ارباب ادیان و مذاهب و ملل عالم به صلح و صفا و یک‌رنگی مبدل می‌شود (همایی، ۱۳۹۳: ۵۲/۱). در واقع، تهذیب عارفانه موجب آرامش و نشاط معنوی در حیات دینداران می‌شود و جامعه‌ای که از صافی عرفان عبور کرده از حیات دینی خویش لذت می‌برد و این گرمی جان و بهجت سالک عارف از درونش به برون تسری می‌یابد و در مواجهه با انسان‌های دیگر، گشاده‌رو، خوش‌برخورد و خندان می‌شود که منشأ این گشاده‌رویی خداوند متعال است (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۴۵۴). لذا صلح عینی و بیرونی نمودی از صلح درونی و حاصل تهذیب نفس و



اعتدال قوای نفسانی است. زیرا اساساً صلح ادیان و مذاهب محصول تصفیه درونی است (میرزایی، ۱۳۹۴: ۲۵۵).

#### ۳.۴. درون‌گرایی

یکی از ابعاد اساسی باطنی دین خلقت بشر از نفس واحده است؛ «هو الذی انشأکم من نفس واحدة» (انعام: ۹۸) که به نوعی دربرگیرنده مفهوم «وحدت درونی» در عرفان است (عبدالحکیم، ۱۳۸۹: ۱۶).

منبسط بودیم و یک گوهر، همه بی سر و بی پا بدیم، آن سر همه

(مولوی، ۱۳۷۵: ۲۴۵/۳)

آموزه‌هایی همچون عشق، محبت، رحمت الاهی، عبودیت و تهذیب نفس که زمینه‌های لازم را برای استقرار وحدت و صلح پایدار فراهم می‌کنند (فناپی اشکوری، ۱۳۸۶: ۱۲۷) برخاسته از وحدت درونی و جلوه‌ای از نگرش توحیدی مؤمنان حقیقی محسوب می‌شود، لذا وحدت درونی، همدلی و صلح از آموزه‌های قرآنی (حجرات: ۱۰) و اندیشه‌های عرفانی است (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۸۷) که این حقیقت درونی سامان یافته، زمینه وحدت و صلح پایدار ادیان و انسان‌ها را فراهم می‌کند. بر این اساس، انسانی با نهادی ناآرام و پر از تشویش نمی‌تواند صلح و دوستی را برای بشر به ارمغان آورد (زارعی، ۱۳۹۴: ۵۳) و به تعبیر مولوی:

بیشه‌ای آمد وجود آدمی بر حذر شو زین وجود ارزان دمی  
در وجود ما هزاران گرگ و خوک صالح و ناصالح و خوب و خشوک

(مولوی، ۱۳۷۵: ۱۶۳/۲)

وجود انسان همانند بیشه‌ای پُر درخت و گیاه است که چه‌بسا در پس هر شاخه و برگش، حیوانی درنده و هزاران گرگ و خوک، نهان باشد و تا آدمی به تصفیه و وحدت درونی نرسد باید همواره از این بیشه برحذر باشد، و آنگاه که انسان از طریق درون خود با عالم هستی همسو شد، احساس آرامش و همدلی را به هموعانش ارزانی می‌کند (شهبازی، ۱۳۹۱: ۹۸).

عرفا با استناد به آیه «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَكُلُّ شَاءَ اللَّهِ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (نساء: ۸۵) پیام خداوند به انسان را صلح و دوستی می‌دانند و با تکیه بر اصل «الطَّرُقَ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ انْفَاسِ الْخَلَائِقِ» آن را دلیلی بر منتهی شدن همه ادیان و مذاهب به خدا می‌دانند و مدعی‌اند همه ادیان از آن خدا است، که هر طایفه‌ای را به دینی مشغول کرده و منظور در همه آنها یکی است و اختلاف اصلی از سوءبرداشت پیروان آنها است (مینوی، ۱۳۷۶: ۵۵). بر این اساس، تفرقه در حقیقت دین نیست، بلکه خاستگاه تفرقه و تنازع جامعه دینی را باید در دل‌بستگی به ظاهر دین و غفلت از باطن و سلیقه‌نگرش دینداران جست‌وجو کرد (سبزواری، ۱۳۹۲: ۱۵۱/۱). به تعبیر مولوی، بی‌رنگی مرتبه اول وجود حق تعالی است:

چون که بی‌رنگی اسیر رنگ شد  
موسی‌ای با موسی‌ای در جنگ شد  
اختلاف قوم از نام اوفتاد  
چون به معنی رفت آرام اوفتاد

(مولوی، ۱۳۷۵: ۳/۵۶۶-۵۶۷)

در واقع، اختلاف مذاهب و فرق با فطرت انسانی و دعوت انبیای الهی همخوانی ندارد (فروزان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۰۴/۳)، بلکه نگرش‌های ناشی از فقه و کلام محوری در دین و غفلت از مبانی قرآن و سنت و ابعاد اخلاقی انسان سبب مطلق کردن ظواهر و بی‌توجهی به باطن دین شده که منشأ جدایی و اساس تفرقه است. بنابراین، اختلاف مذاهب ناشی از اختلاف درون‌ها و برداشت‌ها در دید و حس است (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۴۶۱). از این‌رو عارفان بر مبنای وحدت وجود عرفانی به وحدت درونی ادیان دست یافته و در آثار خود بر آن تأکید کرده‌اند (قربانی، ۱۳۸۸: ۲۰۱).

#### ۴.۴. آزاداندیشی

قرآن کریم یکی از اهداف انبیا را آزادی اندیشه انسانی آنها معرفی می‌کند (اعراف: ۱۵۷)، چه اینکه امام علی (علیه السلام) هدف بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برداشتن زنجیرهای جهل و خرافه و تعصب از دست و پای انسان‌ها معرفی می‌کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۸۹). در واقع، تفکر عرفانی همراه با نگرشی آزادمنشانه است که به سبب آن نفس از بند توهمات

جزم‌گرایانه‌رهایی می‌یابد و به آزادگی و صفات خداگونه نائل می‌شود (سبزواری، ۱۳۹۲: ۱۳۹/۱)، و به تعبیر مولوی:

چون به آزادی نبوت هادی است مؤمنان را ز انبیا آزادی است

(مولوی، ۱۳۷۵: ۱۸۰/۶)

بر این اساس، عارفان با توجه به هدف آزادگی در بعثت انبیا، از هر نوع انحراف از مسیر آزادی‌طلبی اجتناب ورزیده و با رهایی از زنجیر بندگی غیرخدا در طلب همدلی و اتحاد برآمده‌اند (ابوعلی عثمانی، ۱۳۸۳: ۳۴۲). از این‌رو در منظر عارفان، تفسیر به رأی، نوعی خودبینی تلقی شده و فرقه‌اندیشی و مذهب‌گرایی را مذموم دانسته‌اند و صلح انسان‌ها را صرفاً در سایه عبودیت و رهایی از خرافات و توهمات خودساخته بشری می‌دانند (نسفی، ۱۳۷۹: ۱۸۱). بر این اساس، چندان علاقه‌ای به ابراز عقیده خود ندارند و به همین دلیل در متون عرفانی به‌ندرت واژه «اعتقاد» و «عقیده» یافت می‌شود (سلیمانی و ملامحمدی، ۱۳۹۷: ۶۵). این تفکر و نگاه جامع‌بین و آزاداندیش عرفانی نتایجی همچون همدلی و هم‌زیستی متفکران فرقه‌ها و مذاهب متنوع اسلامی و گشایش و بسط فرهنگ و تمدن جهان اسلامی را به دنبال داشته است (رشاد، ۱۳۹۱: ۱۰۵) و عارف آزاد، با پرهیز از جزم در عبادات تأکید دارد که نیل به خدا و بهشت صرفاً از راه عشق و تزکیه نفس و وحدت و احترام به مذاهب حاصل می‌شود (کیویت، ۱۳۸۶: ۳۱۸).

شایان ذکر است که عرفان هم مانند بسیاری از دیگر موضوعات اسلامی، همچون کلام، مذهب و سیاست، گاهی به راه‌های افراط و تفریط فرو غلتیده، اما مقصود ما در اینجا، عرفان ناب و صحیحی است که با حقیقت توحیدی و معنوی اسلام انطباق تام دارد (حیدرینا، ۱۳۹۵: ۱۰۸). از این‌رو عرفان ناب، نه خرقه‌پوشی و عزلت‌گزینی و نه ملامتی و قلندری است، بلکه عرفان، دریافت لطافت و ظرافت دین اسلام است که رحمت، هم‌نوع‌دوستی، معرفت‌خواهی، کمال‌جویی و صلح‌طلبی را به ارمغان می‌آورد. با مراجعه به قرآن و سنت و سیره عملی پیامبر ﷺ و امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز به دست می‌آید که غایت نهایی دین، بر ساخت فرد و جامعه اخلاقی و اتحاد انسان در سایه دین با صبغه الهی تأکید دارد.

## نتیجه

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان گفت:

۱. هدف از رسالت نبوی ﷺ تتمیم دین خدا و رعایت و تکمیل حدود اخلاقی است، که عرفان ناب نیز با توحید، و اخلاق و هدف رسالت ملازمه دارد.
۲. عرفان به معنای حصول رابطه انسان با خدا از طریق مجموعه آداب و رفتار و دستورهای اسلام است و عارفان پذیرفته‌اند که در تمام عرصه‌های زندگی وجودی جز حق نیست و از هر دلی می‌توان به خدا راه یافت.
۳. بُعد عرفانی دین در وحدت و همبستگی جامعه مؤثر است، زیرا محور اندیشه عرفانی توحید و دعوت انسان‌ها به نظرگاه وحدت است. در این رهگذر، انسان‌ها با درک دیدگاه‌های متفاوت، به همدلی مسالمت‌آمیز با یکدیگر می‌رسند، و در سایه درک این تفاوت‌ها است که می‌توان تفاهم و آرامش و امنیت جامعه را برای انسان به ارمغان آورد.
۴. اندیشه «وحدت‌نگری» می‌تواند نقطه اتکایی باشد که ادیان و مذاهب گوناگون را به هم پیوند دهد؛ نگرش عرفانی که ضمن رسمیت‌بخشیدن به اختلاف‌ها، و با صحه‌گذاشتن بر وحدت ادیان، می‌تواند کانونی برای رسیدن به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر شود.
۵. پیش‌فرض‌های بنیادی اندیشه عرفای اسلامی با توجه به ساحت انسان و شناخت ابعاد وجودی او، استوار شده که این کلید راه‌گشایی برای رسیدن به صلح و آرامش بشر است.
۶. وقتی عارف خود را به نزدیک‌ترین درجه قرب خدا برساند، می‌تواند به‌شایستگی نقشی وحدت‌بخش و پیونددهنده در میان اجزای درونی تمدن اسلامی، بلکه با تمدن‌های دیگر ایفا کند.

## پی‌نوشت

۱. البته نباید همزیستی و پذیرفتن کثرت ادیان به نوعی بی‌اعتنایی به حقانیت دین و بی‌توجهی به مراتب کمال و نقص ادیان منتهی شود. زیرا عرفان ناب اسلامی با تکثرگرایی تفاوتی بنیادین دارد. تکثرگرایی دینی به لیبرالیسم دینی ختم می‌شود (لگنهاوزن، ۱۳۷۹: ۲۵)، هرچند خود ابن‌عربی به رغم تبلیغ وحدت ادیان اسلام را مناسب‌ترین شکل می‌دانست (پورجوادی، ۱۳۶۷: ۳۸۲/۱).

## منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۸۷). ترجمه: محمد دشتی، قم: الهادی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). *الاشارات والتنبيهات*، قم: البلاغه.
- ابن عربی، محیی‌الدین (۱۴۰۵). *الفتوحات المکیة*، تحقیق: عثمان یحیی، بیروت: دار صادر.
- ابن ترکیه، علی (۱۳۷۸). *شرح فصوص الحکم*، قم: بیدار.
- ابن عربی، محیی‌الدین (۱۳۷۰). *فصوص الحکم*، تهران: الزهراء (ع).
- ابوعلی عثمانی، حسن بن احمد (۱۳۸۳). ترجمه رساله قشیریه، تهران: علمی و فرهنگی.
- ادیب، محمدحسین (۱۳۶۶). *روابط اجتماعی در اسلام*، تهران: علمی.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۰). *چهار سخنگوی وجدان ایرانی*، تهران: قطره.
- امینی‌نژاد، علی؛ بابایی، مهدی؛ کرمانی، علی‌رضا (۱۳۹۰). *مبانی و فلسفه عرفان*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ایزدینپناه، عباس (۱۳۹۱). *زیرساخت‌های سیره وحدت‌مذاهب از نگاه اهل عرفان و امام خمینی*: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و احیای تفکر دینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بسطامی، بایزید (۱۴۰۲). *نصوص من شطحات الصوفیة*، بی‌جا: بی‌نا.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۰). *عرفان و سیاست*، قم: بوستان کتاب.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۷). *ادبیات عرفانی به زبان فارسی*، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). *تکاپوی اندیشه‌ها*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *حیات حقیقی انسان در قرآن*، تحقیق: غلام‌علی امین‌دین، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *مبایده اخلاق در قرآن*، قم: اسراء.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۹۰). *تاریخ عرفان و عارفان ایرانی*، تهران: کومش.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۱). *انسان در اسلام و مکاتب غربی عارفان*، تهران: قطره.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۳). *شناخت عرفان و عارفان ایرانی*، تهران: زوار.
- خادم جهرمی، حامده (۱۳۸۷). «قرآن و اتحاد اسلامی»، در: *فرهنگ کوثر*، ش ۷۵.
- دشتی، محمد (۱۳۸۴). «انسان کامل در فصوص و مثنوی»، در: *هفت آسمان*، ش ۲۸، ص ۶۱-۸۶.
- رازی، محمد (۱۳۸۶). *بستان الرازی*، تهران: اسلامیه، ج ۱.
- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۹۱). *حریت و مدارا*، تهران: امیرکبیر.

- رهبر، عباس‌علی؛ مهاجرانی، مجید (۱۳۸۸). «هستی‌شناسی بنیادگرایی اسلامی در جهان عرب»، در: *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۱۹، ص ۱۱۷-۱۴۰.
- زارعی، فرزانه (۱۳۹۴). *صلح درون و راهکارهای ایجاد آن*. تهران: عادیات.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *جست‌وجو در تصوف ایران*. تهران: امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳). *ارزش میراث صوفیه*. تهران: امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵). *دنباله جست‌وجو در تصوف ایران*. تهران: امیرکبیر.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۹۲). *شرح مثنوی، تحقیق و تصحیح: مصطفی بروجردی*. تهران: طبع و نشر.
- سجّادی، جعفر (۱۳۶۸). *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*. تهران: طهوری.
- سلیمانی، اسماعیل؛ ملامحمدی، مژگان (۱۳۹۷). «حریت یا آزادی در مفهوم دینی و عرفانی»، در: *فلسفه دین*، دوره ۱۵، ش ۳، ص ۶۷۵-۶۵۳.
- سلیمانی، فرانک (۱۳۸۸). *جلوه‌های صلح و بشردوستی در اشعار مولوی و حافظ و سعدی*. همدان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- سهروردی، شهاب‌الدین عمر (۱۳۶۴). *عوارف المعارف*. ترجمه: ابومنصور بن عبدالمؤمن اصفهانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). «از عرفان بایزید تا فرمالیسم روسی»، در: *هستی*، دوره ۲، ش ۳، ص ۷۱-۷۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴). *نوشته بر دریا: از میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی*. تهران: سخن.
- شمشیری، بابک (۱۳۸۵). *تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان*. تهران: طهوری.
- شهبازی، پرویز (۱۳۹۱). *گنج حضور*. تهران: کتاب روز.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸). *شیعه در اسلام*. قم: بوستان کتاب.
- طهرانی حسینی، سید محمدحسین (۱۳۹۵). *رساله لب لباب*. تهران: علامه طباطبایی.
- عبدالحکیم، خلیفه (۱۳۸۹). *عرفان مولوی*. ترجمه: احمد محمدی، احمد میرعلایی. تهران: علمی و فرهنگی.
- غلام‌نژاد، فاطمه؛ سخایی، فرشته (۱۳۹۳). *مجموعه مقالات عرفان ایران*. تهران: حقیقت.
- غنی، قاسم (۱۳۷۴). *تاریخ تصوف در اسلام*. تهران: زوآر.
- فروزان‌فر، بدیع‌الزمان (۱۳۹۷). *شرح مثنوی شریف*. تهران: علمی و فرهنگی.
- فناپی اشکوری، محسن (۱۳۸۶). *نیایش عارفان: شرح حکمت و معنویت شیعی*. قم: شیعه‌شناسی.

قربانی، اکبر (۱۳۸۸). «وحدت درونی ادیان در اندیشه مولانا»، در: پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، ش ۹، ص ۱۹۲-۲۰۷.

کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۸۷). *مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة*، تهران: زوار.

کاشانی، ملاعبدالرزاق (۱۳۷۰). *شرح منازل خواجه*، قم: بیدار.

کاکایی، قاسم (۱۳۸۱). *وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت*، تهران: هرمس.

کرین، هانری (۱۳۶۳). *آیین جوان‌مردی*، ترجمه: احسان نراقی، تهران: نشر نو.

کرین، هانری (۱۳۸۷). *انسان نورانی در تصوف ایرانی*، ترجمه: جواهری‌نیا، شیراز: آموزگار خرد.

کیویت، دان (۱۳۸۶). *دریای ایمان*، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: طرح نو.

لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۹). *اسلام و کثرت‌گرایی دینی*، ترجمه: نرجس جوان‌دل، قم: مؤسسه فرهنگی طه.

محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۸۰). *سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق‌زمین*، تهران: کلبه شروق.

مجلسی، محمدتقی (۱۳۸۶). *بحار الانوار*، تصحیح: محمدباقر بهبودی، تهران: اسلامیه.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). *دروس فلسفه اخلاق*، تهران: اطلاعات.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *انسان کامل*، قم: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). *سیری در سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام)*، قم: صدرا.

مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۸). *تجربه‌های عرفانی در ادیان*، تهران: بوستان کتاب.

معین، محمد (۱۳۷۷). *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.

مونتقی، احمد (۱۳۸۹). *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: سمت.

مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۵). *مثنوی*، تصحیح: محمد استعلامی، تهران: زوآر.

میرزایی، نورالدین (۱۳۹۴). *مروری بر نظریه‌های صلح درون و عوامل آن*، تهران: عادیات.

مینوی، مجتبی (۱۳۷۶). *نقد حال*، تهران: خوارزمی.

نسفی، عزیزالدین (۱۳۷۹). *انسان کامل*، تصحیح: ماری ژان موله، تهران: طهوری.

نسیمی، سید عمادالدین (۱۳۹۲). *دیوان اشعار*، تهران: تک‌درخت.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۹۳). *مولوی‌نامه: مولوی چه می‌گوید؟*، تهران: زوار.

وکیلی، محمدحسین (۱۳۹۰). «شاخصه‌های مکتب عرفانی نجف اشرف»، در: حکمت عرفانی، ش ۶،

## References

The Holy Quran

- Nahj al-Balaghah*. 2008. Translated by Mohammad Dashti, Qom: Al-Hadi. [in Farsi]
- Abd al-Hakim, Khalifeh. 2010. *Erfan Molawi (Rumi's Mysticism)*, Translated by Ahmad Mohammadi, Ahmad Mirallayi, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Abu Ali Othmani, Hasan ibn Ahmad. 2004. *Tarjomeh Resaleh Ghosheyriyeh*, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Adib, Mohammad Hoseyn. 1987. *Rawabet Ejtemai dar Islam (Social Relations in Islam)*, Tehran: Scientific. [in Farsi]
- Amininejad, Ali; Babayi, Mahdi; Kermani, Ali Reza. 2011. *Mabani wa Falsafeh Erfan (Fundamentals and Philosophy of Mysticism)*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [in Farsi]
- Bastami, Bayazid. 1982. *Nosus men Shatahat al-Sufiyah*, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Cupitt, Don. 2007. *Daryay Iman (The Sea of Faith)*, Translated by Hasan Kamshad, Tehran: New Design. [in Farsi]
- Dashti, Mohammad. 2005. "Ensan Kamel dar FOCUS wa Mathnawi (Perfect Man in the Books FOCUS and Mathnawi)", in: *Seven Heavens*, no. 28, pp. 61-86. [in Farsi]
- Fanayi Eshkewari, Mohsen. 2007. *Niyayesh Arefan: Sharh Hekmat wa Manawiyat Shi'i (Mystics' Prayer: A Description of Shiite Wisdom and Spirituality)*, Qom: Shiite Studies. [in Farsi]
- Foruzanfar, Badi' al-Zaman. 2018. *Sharh Mathnawi Sharif*, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Ghani, Ghasem. 1995. *Tarikh Tasawwof dar Islam (History of Sufism in Islam)*, Tehran: Zowwar. [in Farsi]
- Gholamnejad, Fatemeh; Sakhayi, Fereshteh. 2014. *Majmue Maghalat Erfan Iran (Collection of Articles on Iranian Mysticism)*, Tehran: Haghghat. [in Farsi]
- Ghorbani, Akbar. 2009. "Wahdat Daruni Adyan dar Andisheh Molana (Inner Unity of Religions in Rumi's Thought)", in: *Journal of Culture and Literature*, no. 9, pp. 192-207. [in Farsi]
- Haghghat, Abd al-Rafi. 2011. *Tarikh Erfan wa Arefan Irani (History of Iranian Mysticism and Mystics)*, Tehran: Kumesh. [in Farsi]



- Halabi, Ali Asghar. 1992. *Ensan dar Islam wa Makateb Gharbi Arefan (Man in Islam and the Western Schools of Mystics)*, Tehran: Ghatreh. [in Farsi]
- Halabi, Ali Asghar. 1994. *Shenakht Erfan wa Arefan Irani (Knowing Iranian Mysticism and Mystics)*, Tehran: Zowwar. [in Farsi]
- Homayi, Jalal al-Din. 2014. *Molawi Nameh: Molawi Che Miguyad (Rumi's Letter: What Does Rumi Say?)*, Tehran: Zowwar. [in Farsi]
- Ibn Arabi, Mohyi al-Din. 1985. *Al-Fotuhah al-Makkiyah*, Researched by Othman Yahya, Beirut: Sader Institute. [in Arabic]
- Ibn Arabi, Mohyi al-Din. 1991. *Fosus al-Hekam*, Tehran: Al-Zahra (AS)
- Ibn Sina, Hoseyn ibn Abdollah. 1996. *Al-Esharat wa al-Tanbihat*, Qom: Al-Balaghah. [in Arabic]
- Ibn Torkah, Ali. 1999. *Sharh Fosus al-Hekam*, Qom: Bidar. [in Arabic]
- Islami Nodushan, Mohammad Islami. 2001. *Chehar Sokhanguy Wojdan Irani (Four Speakers of the Iranian Conscience)*, Tehran: Ghatreh. [in Farsi]
- Izadpanah, Abbas. 2012. *Zirsakht-hay Sireh Wahdat Mazaheb az Negah Ahl Erfan wa Emam Khomeyni: Majmueh Maghalat Kongereh Beyn al-Melali Emam Khomeyni wa Ehyay Tafakkor Dini (Infrastructures of the Tradition of the Unity of Religions from the Perspective of Mystics and Imam Khomeini: Proceedings of the International Congress of Imam Khomeini and the Revival of Religious Thought)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeyni's Works. [in Farsi]
- Jafari, Mohammad Taghi. 1994. *Takapuy Andisheh-ha (The Vibrancy of Thoughts)*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office, vol. 2. [in Farsi]
- Jawadi Amoli, Abdollah. 2007. *Hayat Haghghi Enasan dar Quran (The Real Life of Man in the Quran)*, Researched by Gholam Ali Amin Din, Qom: Esra. [in Farsi]
- Jawadi Amoli, Abdollah. 2008. *Mabadi Akhlagh dar Quran (Principles of Ethics in the Quran)*, Qom: Esra. [in Farsi]
- Kakayi, Ghasem. 2002. *Wahdat Wujud be Rewayat Ibn Arabi wa Meister Eckhart (The Unity of Existence According to Ibn Arabi and Meister Eckhart)*, Tehran: Hermes. [in Farsi]
- Kashani, Ezz al-Din Mahmud. 2008. *Mesbah al-Hedayah wa Meftah al-Kenayah*, Tehran: Zowwar. [in Arabic]

- Kashani, Molla Abd al-Razzagh. 1991. *Sharh Manazel Khajeh*, Qom: Bidar. [in Farsi]
- Khadem Jahromi, Hamedeh. 2008. "Quran wa Ettehad Islami (Quran and Islamic Unity)", in: *Farhang Kothar*, no. 75. [in Farsi]
- Korban, Hanri. 1984. *Ayin Jawanmardi (The Chivalric Code)*, Translated by Ehsan Naraghi, Tehran: Modern Publication. [in Farsi]
- Korban, Hanri. 2008. *Ensan Nurani dar Tasawwof Irani (Enlightened Man in Iranian Sufism)*, Translated by Jawaheriniya, Shiraz: Wisdom Teacher. [in Farsi]
- Legenhausen, Muhammad. 2000. *Islam wa Kethratgerayi Dini (Islam and Religious Pluralism)*, Translated by Narjes Jawandel, Qom: Taha Cultural Institute. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 2007. *Behar al-Anwar (Oceans of Lights)*, Edited by Mohammad Bagher Behbudi, Tehran: Islamiyah. [in Arabic]
- Mazaheri Seyf. Hamidreza. 2009. *Tajrobeh-hay Erfani dar Adyan (Mystical Experiences in Religions)*, Tehran: Garden Book. [in Farsi]
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 1996. *Dorus Falsafeh Akhlagh (Ethics Philosophy Courses)*, Tehran: Information. [in Farsi]
- Minawi, Mojtaba. 1997. *Naghd Hal*, Tehran: Kharazmi. [in Farsi]
- Mirzayi, Nur al-Din. 2015. *Moruri bar Nazariyeh-hay Solh Darun wa Awamel An (A Review of Theories of Inner Peace and Its Factors)*, Tehran: Adiyat. [in Farsi]
- Mohit Tabatabayi, Seyyed Mohammad. 2001. *Seyyed Jamal al-Din Asadabadi wa Bidari Mashregh Zamin (Seyyed Jamal al-Din Asadabadi and the Eastern Awakening)*, Tehran: Kolbeh Shorugh. [in Farsi]
- Moin, Mohammad. 1998. *Farhang Farsi (Persian Dictionary)*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Molawi, Jalal al-Din. 1996. *Mathnawi*, Edited by Mohammad Estelami, Tehran: Zowwar. [in Farsi]
- Motahhari, Morteza. 2010. *Ensan Kamel (Perfect Man)*, Qom: Sadra. [in Farsi]
- Motahhari, Morteza. 2015. *Seyri dar Sireh Aemmeh Athar (AS) (A Look at the Biography of the Imams)*, Qom: Sadra. [in Farsi]
- Mowaththeghi, Ahmad. 2010. *Jonbesh-hay Islami Moaser (Contemporary Islamic Movements)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Nasfi, Aziz al-Din. 2000. *Ensan Kamel (Perfect Man)*, Edited by Marie Jean Mole, Tehran: Tahuri. [in Farsi]

- Nasimi, Seyyed Emad al-Din. 2013. *Diwn Ashar (Divan of Poems)*, Tehran: Single Tree. [in Farsi]
- Parsaniya, Hamid. 2001. *Erfan wa Siyasat (Mysticism and Politics)*, Qom: Book Garden. [in Farsi]
- Purjawadi, Nasrollah. 1988. *Adabiyat Erfani be Zaban Farsi (Mystical Literature in Persian Language)*, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia. [in Farsi]
- Rahbar, Abbas Ali; Mohajerani, Majid. 2009. "Hastishenasi Bonyadgerayi Islami dar Jahan Arab (The Ontology of Islamic Fundamentalism in the Arab World)", in: *Political and International Approaches*, no. 19, pp. 117-140. [in Farsi]
- Rashad, Ali Akbar. 2012. *Horriyat wa Modara (Freedom and Tolerance)*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Razi, Mohammad. 2007. *Bostan al-Razi*, Tehran: Islamiyah, vol. 1. [in Arabic]
- Sabzewari, Molla Hadi. 2013. *Sharh Mathnawi*, Edited: Mostafa Borujerdi, Tehran: Printing and Publishing. [in Farsi]
- Sajjadi, Jafar. 1989. *Farhang Estelihat wa Tabirat Erfani (Dictionary of Mystical Terms and Expressions)*, Tehran: Tahuri. [in Farsi]
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza. 2001. "Az Erfan Bayazid ta Formalism Rusi (From Bayazid's Mysticism to Russian Formalism)", in: *Existence*, yr. 2, no. 3, pp. 71-75. [in Farsi]
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza. 2005. *Neweshteh bar Darya: Az Mirath Erfani Abolhasan Kharaghani (Written on the Sea: From the Mystical Heritage of Abolhasan Kharaghani)*, Tehran: Speech. [in Farsi]
- Shahbazi, Parwiz. 2012. *Ganj Hozur (The Treasure of Presence)*, Tehran: Book of the Day. [in Farsi]
- Shamshiri, Babak. 2006. *Talim wa Tarbiyat az Manzar Eshgh wa Erfan (Education and Training from the Perspective of Love and Mysticism)*, Tehran: Tahuri. [in Farsi]
- Sohrewardi, Shahab al-Din Omar. 1985. *Awaref al-Maaref*, Translated by Abu Mansur ibn Abd al-Momen Isfahani, Tehran: Scientific and Cultural. [in Arabic]
- Soleymani, Ferank. 2009. *Jelweh-hay Solh wa Bashardusti dar Ashaar Molawi wa Hafez wa Saadi (Manifestations of Peace and Philanthropy in the Poems of Rumi, Hafez and Saadi)*, Hamedan: Islamic Azad University. [in Farsi]

- Soleymani, Ismail; Molla Mohammadi, Mojgan. 2018. "Horriyat ya Azadi dar Mafhum Dini wa Erfani (Freedom in the Religious and Mystical Sense)", in: *Philosophy of Religion*, yr. 15, no. 3, pp. 653-675. [in Farsi]
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hoseyn. 1995. *Tafsir al-Mizan (The Yardstick of the Interpretation of the Quran)*, Translated by Seyyed Mohammad Bagher Musawi Hamedani, Qom: Teachers Association. [in Farsi]
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hoseyn. 2009. *Shia dar Islam (Shiite Islam)*, Qom: Book Garden. [in Farsi]
- Tehrani Hoseyni, Seyyed Mohammad Hoseyn. 2016. *Resaleh Lob Labab*, Tehran: Allameh Tabatabayi. [in Arabic]
- Wakili, Mohammad Hoseyn. 2011. "Shakhes-hay Maktab Erfani Najaf Ashraf (Characteristics of the Mystical School of Najaf Ashraf)", in: *Mystical Wisdom*, no. 6, pp. 25-42. [in Farsi]
- Zarei, Farzaneh. 2015. *Solh Darun wa Rahkar-hay Ijad An (Inner Peace and Ways to Create It)*, Tehran: Adiyat. [in Farsi]
- Zarrinkub, Abd al-Hoseyn. 1990. *Jostoju dar Tasawwof Iran (Search in Iranian Sufism)*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Zarrinkub, Abd al-Hoseyn. 1994. *Arzesh Mirath Sufiyeh (The Value of Sofia Heritage)*, Tehran: Amir Kabir. [in Farsi]
- Zarrinkub, Abd al-Hoseyn. 1996. *Donbaleh Jostoju dar Tasawwof Iran (Continuation of Search in Iranian Sufism)*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]